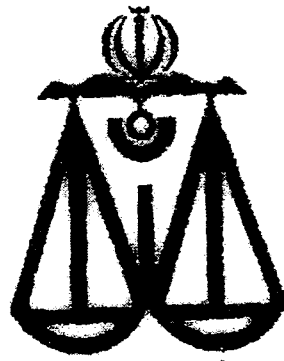


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



قوه قضائیه

دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع

اعاده حیثیت در فقه امامیه و بررسی تحولات آن در حقوق کیفری ایران

استاد راهنما

دکتر عبدالعلی توجهی

استاد مشاور

دکتر عباس تولیت

نگارش

مسعود شیخ حسنی

۱۳۸۸

مخاطبات دانشکده علوم قضایی
تهران

۱۳۸۹ / ۹ / ۳

۱۴۵۷۸۰



توسعه قضائیه

دانشکده علوم قضائیه و خدمات اداری

«تائیدیه هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد»

با استمداد از الطاف الهی اعضای هیات داوران پایان نامه آقای مسعود شیخ حسنی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی با عنوان اعاده حیثیت در فقه امامیه و بررسی تحولات آن در حقوق

کیفری ایران را از نظر شکل و محتوا بررسی نموده و پس از برگزاری جلسه دفاع در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۸

ساعت ۲۰ - ۱۸:۴۰ آن را با نمره: به عدد ۱۹ و به حروف عالی (نوزده) و

نوزده (۱۹)

درجه عالی ارزیابی نمودند.

ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	امضاء
۱	دکتر عبدالعلی توجهی	استاد راهنما	
۲	دکتر سید عباس تولیت	استاد مشاور	
۳	دکتر فرید محسنی	استاد داور	
۴	علی باقری	نماینده تحصیلات تکمیلی	

۱۳۸۹ / ۹ / ۳

تقدیم بہ

خانوادہ ام کہ بی شک ہرچہ دارم

از گوہر وجود آہناست

سپاسگزاری

سپاس بی پایان ذات یکتایی را که شکر گزاری از دیگران را بر ما واجب کرده و آن را یکی از وظایف ما قرار داده است تشکر از دیگران، شکر گزاری از آن ذات اقدس می باشد خداوندی که انسان را از ظلمت عدم نجات داد و با نور وجود آشنا ساخت . بعد از حمد و سپاس ذات اقدس الهی وظیفه خود می دانم از اساتید بزرگواری که در طول مدت تحصیل شمع وجودشان روشنی بخش وجود این نا چیز بوده است قدر دانی کنم ابتدا از استاد عزیز و گرامی جناب آقای دکتر توجهی که در تحصیل از محضرش فیض بردم و قبول زحمت فرمودند راهنمایی اینجانب را در تهیه و تنظیم این پایان نامه بر عهده گرفتند و همچنین از زحمات استاد ارجمند جناب آقای دکتر تولیت که مشاورت بنده را بر عهده داشته اند و در طول مدت تدوین این پایان نامه با کمال دقت و نهایت محبت و دل سوزی بنده را از ارشادات و راهنمایی های خود بهره مند فرمودند صمیمانه تشکر و قدر دانی می نمایم . همچنین از کلیه دوستان و همکاران محترمی که در تهیه منابع لازم در تدوین این پژوهش این جانب را یاری نمودند سپاس و تشکر از این عزیزان را نیز بر خود فرض و واجب می دانم.

چکیده

اعاده حیثیت در قوانین و مقررات حقوقی در دو معنا به کار رفته است که معنای اول آن معنایی عام که عبارت است از ترمیم و جبران خسارت ناشی از حیثیت از دست رفته شخص و معنای دوم آن در بردارنده مفهوم یک تاسیس حقوقی که نشان دهنده ابراز رفت قانونگذار به شخصی است که مجازات مورد حکم را تحمل کرده است و با ابراز رفتار شایسته نشان داده است که آمادگی ورود به جامعه را دارد. اعاده حیثیت به عنوان تدبیری برای تسهیل حضور محکوم در جامعه که با محو سابقه کیفری از سجل قضایی مجازاتهای تبعی مرتب بر محکومیت کیفری را ساقط کرده و حقوق سیاسی و اجتماعی سلب شده از شخص را به او باز می گرداند. اعاده حیثیت به عنوان یک نهاد قضایی به اعاده حیثیت قانونی و قضایی تقسیم می گردد که در اعاده حیثیت قانونی فرد به طور خود کار به اعاده حیثیت نایل می شود ولی در اعاده حیثیت قضایی نیاز به صدور حکم از دادگاه صالح جهت اعمال این نهاد حقوقی است.

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲ احکام صریح و روشنی در خصوص اعاده حیثیت داشت ولی از زمان تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی (۱۳۶۱) تا تصویب ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۷) در این زمینه خلاء قانونی وجود داشت ماده مذکور تلاشی است در خور اما ناقص برای استقبال از تاسیس اعاده حیثیت قانونی که با پذیرش برخی از آثار اعاده حیثیت نهاد اعاده حقوق اجتماعی را به محکوم تداعی می کند که نیازمند بازنگری و اصلاح است.

هرچند این نهاد حقوقی آن چنان که در حقوق جزای عرفی مطرح است در متون فقهی ما تحت عنوان خاصی مطرح نشده است اما این نهاد برخاسته از اصول و مبانی فقهی، حقوقی است که با توجه به قواعد حاکم باید آن را در تاسیسهای با ارزش و منحصر به فردی چون «توبه» و «قاعده فقهی جب» در حقوق اسلامی جستجو کرد که تقریباً تمامی آثار و نتایج اعاده حیثیت را دارا است و آثار نتایج حاصل از گناه را زایل می کند و از بین می برد و برای مقابله با تکرار جرم و به دنبال اندیشه بازپروری و باز اجتماعی کردن مجرم می باشد تا از حیثیت افراد حمایت کرده و زمینه بازگشت آنان را به جامعه فراهم نماید. در این پایان نامه طی دو بخش به بررسی و تحلیل فقهی و حقوقی و جایگاه این نهاد قضایی در سیستم حقوق کیفری ایران پرداخته شده است.

بخش اول: تبیین مفاهیم، پیشینه، مبانی نظری و قلمرو اعاده حیثیت

بخش دوم: تبیین اقسام، آثار و احکام اعاده حیثیت در قانون و فقه امامیه

واژگان کلیدی: اعاده حیثیت، مجازات های تبعی، محکومیت موثر، محرومیت از حقوق اجتماعی، سجل قضایی، توبه، قاعده

جب

علائم اختصاری

قانون مجازات اسلامی.....ق.م.ا

قانون مجازات عمومی.....ق.م.ع

قانون راجع به مجازات اسلامی.....ق.ر.ا.م

قانون اساسی.....ق.ا

رجوع کنید.....ر.ک

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۶
۱- بیان موضوع و انگیزه انتخاب آن.....	۶
۲- سوالات.....	۱۰
۳- فرضیات.....	۱۰
۴- اهداف و ضرورت انجام آن.....	۱۰
۵- پیشینه تحقیق.....	۱۰
۶- تقسیم مطالب.....	۱۲

بخش اول : تبیین مفاهیم ، پیشینه ، مبانی نظری و قلمرو اعاده حیثیت

فصل اول : مفاهیم و پیشینه.....	۱۵
مبحث اول : مفاهیم.....	۱۵
گفتار اول : اعاده حیثیت.....	۱۶
الف (مفهوم لغوی.....	۱۶
ب) مفهوم اصطلاحی.....	۱۷
گفتار دوم : واژگان مرتبط.....	۲۱
الف) مجازات تبعی.....	۲۱
ب) محکومیت موثر.....	۲۳
ج) سجل قضایی.....	۲۹
مبحث دوم : پیشینه.....	۳۲
گفتار اول : اعاده حیثیت در ادیان الهی.....	۳۲
الف (قبل از اسلام.....	۳۳
۱- دین یهود.....	۳۴
۱-۱- معنای اصلی حرم.....	۳۵
۲- ۱- گونه های مجازات طرد و جرایم مستوجب مجازات نیدوی.....	۳۵
۳- ۱- پایان مجازات.....	۳۶
۲- دین مسیحیت.....	۳۶
۳- دین زرتشت.....	۳۸
ب) دین اسلام.....	۴۱
گفتار دوم : حقوق موضوعه.....	۴۴
الف) ایران.....	۴۴

۴۶	۱- قبل از انقلاب اسلامی
۴۶	۱-۱- قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴
۴۸	۱-۲- قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲
۵۰	۲- بعد از انقلاب اسلامی
۵۱	۱-۲- نظریه منسوخ شدن اعاده حیثیت
۵۵	۲-۲- نظریه بقای قوانین اعاده حیثیت
۶۰	ب) سایر کشورها
۶۲	۱- فرانسه
۶۵	۲- لبنان
۶۷	۳- انگلستان
۷۱	فصل دوم: مبانی نظری و قلمرو اعاده حیثیت
۷۱	مبحث اول: مبانی نظری اعاده حیثیت
۷۲	گفتار اول: مبانی نقلی
۷۲	الف) آیات قرآن کریم
۷۷	ب) سنت
۷۸	۱- روایات
۷۸	۱-۱- پاک شدن بعد از اقامه حد
۷۹	۱-۲- پذیرش شهادت پس از توبه
۸۱	۲- سیره معصومین
۸۱	۱-۲- تکریم شخصیت و تکیه بر داشته های الهی آدمیان
۸۲	۲-۲- مهرورزی و جلب اعتماد افراد
۸۳	۲-۳- تکیه بر نقاط مثبت افراد مجرم
۸۳	۲-۴- پرهیز از برچسب زدن
۸۴	۱-۲-۴- خوش بینی و رفتار متری
۸۴	۲-۲-۴- تغافل و پوشاندن خطای دیگران
۸۵	۳-۲-۴- چشم پوشی و عفو
۸۶	گفتار دوم: مبانی عقلی اعاده حیثیت
۸۷	الف) اعمال مجازات
۸۷	ب) اهداف مجازات
۸۷	۱- هدف ذهنی مجازات
۸۷	۲- هدف عینی مجازات
۸۹	ج) قانون اساسی
۹۱	د) اثر تطهیر کنندگی مجازات
۹۲	مبحث دوم: قلمرو اعاده حیثیت

- گفتار اول: قلمرو اعاده حیثیت در زمان..... ۹۳
- گفتار دوم: قلمرو اعاده حیثیت در مکان..... ۹۶

بخش دوم: تبیین اقسام، آثار و احکام اعاده حیثیت در قانون و فقه امامیه

- فصل اول: تبیین اقسام، آثار و احکام اعاده حیثیت..... ۱۰۳
- مبحث اول: اقسام و آثار اعاده حیثیت..... ۱۰۳
- گفتار اول: اقسام اعاده حیثیت..... ۱۰۴
- الف) اعاده حیثیت قضایی..... ۱۰۴
- ۱- صدور حکم اشتباه..... ۱۰۷
- ۲- اعاده اعتبار تاجر ورشکسته..... ۱۰۸
- ب) اعاده حیثیت قانونی..... ۱۰۸
- گفتار دوم: آثار..... ۱۰۹
- الف) آثار محکومیت کیفری..... ۱۱۰
- ۱- اجرای مجازاتهای اصلی، تکمیلی و تبعی..... ۱۱۱
- ۲- ایجاد سابقه محکومیت و درج آن در سجل قضایی..... ۱۱۴
- ۱-۲- احکام قابل درج در سجل قضایی..... ۱۱۷
- ۲-۲- موارد عدم درج محکومیت در سجل قضایی..... ۱۱۹
- ۳- تشدید مجازات در تکرار جرم..... ۱۲۳
- ۱-۳- تشدید مجازات در تکرار جرم در حقوق کیفری ایران..... ۱۲۳
- ۴- ممنوعیت از اجرای تعلیق مجازات..... ۱۲۵
- ۵- ممنوعیت از آزادی مشروط..... ۱۲۷
- ب) آثار اعاده حیثیت..... ۱۲۸
- ۱- زوال آثار تبعی محکومیت..... ۱۲۸
- ۲- محو سابقه کیفری..... ۱۳۰
- ۳- بر خورداری از امتیازات قانونی..... ۱۳۰
- مبحث دوم: احکام اعاده حیثیت در قانون و ارزیابی عملکرد مقنن..... ۱۳۰
- گفتار اول: احکام اعاده حیثیت..... ۱۳۰
- الف) عمدی بودن جرم..... ۱۳۱
- ب) اجرای کامل مجازات..... ۱۳۱
- ج) گذشت مهلتهای مقرر قانونی..... ۱۳۲
- د) فقدان محکومیت جدید..... ۱۳۴
- گفتار دوم: ارزیابی عملکرد مقنن..... ۱۳۴

۱۳۵	الف) قانون مجازات عمومی
۱۳۸	ب) قانون مجازات اسلامی
۱۳۸	۱- اشکالات شکلی
۱۳۹	۲- اشکالات ماهوی
۱۳۹	۲-۱- محکومیت به قطع عضو
۱۴۰	۲-۲- محکومیت به شلاق
۱۴۰	۲-۳- محکومیت به حبس
۱۴۲	۲-۴- محرومیت از اعمال حقوق اجتماعی
۱۴۴	۲-۵- محکومیت به اعدام
۱۴۵	۲-۶- جرایم قابل گذشت
۱۴۶	۲-۷- عفو
۱۴۷	۲-۸- آزادی مشروط
۱۵۰	فصل دوم: کیفرهای تبعی و اعاده حیثیت در فقه امامیه
۱۵۰	مبحث اول: کیفرهای تبعی در فقه امامیه
۱۵۰	گفتار اول: شهادت دروغ
۱۵۲	گفتار دوم: حد قذف
۱۵۳	گفتار سوم: قتل
۱۵۵	گفتار چهارم: خودکشی
۱۵۵	گفتار پنجم: اجرای حد
۱۵۶	گفتار ششم: ارتداد
۱۵۶	الف) محرومیت از حق مالکیت
۱۵۷	ب) محرومیت از حق زوجیت
۱۵۸	گفتار هفتم: شخص مشمول قذف
۱۶۰	مبحث دوم: جایگاه اعاده حیثیت در فقه امامیه
۱۶۰	گفتار اول: اجرای مجازات و پاک شدن مجرم در فقه امامیه
۱۶۳	گفتار دوم: تاسیسه‌های مشابه اعاده حیثیت
۱۶۴	الف) قاعده جب
۱۶۵	۱- ماهیت قاعده الاسلام یجب ماقبله
۱۶۶	۲-۱- شرایط جریان قاعده
۱۶۷	۲- ماهیت قاعده التوبه تجب ماقبلها من الکفر و المعاصی و الذنوب
۱۶۸	۲-۱- تفاوت قاعده جب اسلام و توبه
۱۶۸	ب) توبه
۱۶۹	۱- زمان توبه در جرایم مستوجب حد
۱۷۱	۲- توبه در قانون مجازات اسلامی

۱۷۲.....	۳- آثار توبه
۱۷۲.....	۳-۱- سقوط مجازات
۱۷۴.....	۳-۲- قابلیت عفو توسط امام.....
۱۷۵.....	۳-۲-۱- اقرار قرینه ای بر پشیمانی و توبه است.....
۱۷۶.....	۳-۲-۲- روایت
۱۷۶.....	۳-۲-۳- اجماع.....
۱۷۶.....	۳-۳- قبول شهادت.....
۱۷۶.....	۴-۴- توبه و صدق عقیف شدن مجرم
۱۷۷.....	۴- احراز توبه.....
۱۸۱.....	۵- قلمرو توبه در جرم و گناه.....
۱۸۲.....	۶- اثر توبه در تکرار جرم.....
۱۸۴.....	۷- اثر توبه در امور مدنی
۱۸۶.....	۸- آثار توبه در متون فقهی
۱۸۹.....	نتیجه گیری و راهکارها
۱۹۷.....	منابع و مأخذ

از قدیم الایام در جوامع مختلف بشری، مجرم مورد شماتت و سرزنش قرار می گرفته است و تمایل نهادهای مختلف اجتماعی بر مجازات شخصی که اقدام به شکستن هنجارهای پذیرفته شده آن جامعه نموده است پوشیده نیست. لیکن به تدریج و البته در جوامع مذهبی بر اساس تعالیم ادیان الهی، این تفکر که اعمال مجازات صرفاً با رویکرد تنبیه مجرم نیست بلکه باید هدف والای باز اجتماعی شدن و اصلاح مجرم نیز مدنظر قرار بگیرد، تقویت گردید. اعاده حیثیت نیز در این خصوص دارای جایگاه ویژه ای است به گونه ای که کمتر جامعه ای را می توان یافت که شرایط و چگونگی تحقق اعاده حیثیت را تبدیل به قانون ننموده باشد و این امر بیانگر اهمیت والای این نهاد است. لذا بررسی مبانی و چارچوب این نهاد در حقوق کیفری ایران و با لطمع حقوق اسلامی، بالاخص فقه امامیه نظر به اینکه زیر بنای حقوق کیفری ایران می باشد اهمیت قابل توجهی دارد.

اینکه اساساً نهاد اعاده حیثیت در متون اسلامی مورد تأیید قرار گرفته است یا خیر و در صورت مثبت بودن پاسخ دلائل آن قلمرو نهاد مزبور و بررسی تطبیقی از جمله اموری است که تلاش گردیده است به آن ها پرداخته شود.

۱) بیان موضوع و انگیزه انتخاب آن

امنیت و قوام یک جامعه وابسته به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر هنجار شکنان و متخلفان از قانون است. از طرف دیگر جامعه با برنامه های تربیتی و اخلاقی و خود سازی از سویی، و اصلاح محیط از سوی دیگر عوامل و زمینه های جرم و گناه را از بین می برد و از وقوع جرم و هنجارشکنی در جامعه جلوگیری نماید. اما همواره عده ای در جامعه وجود دارند که هنجارهای مورد قبول جامعه را بر نمی تابند و از هر فرصتی استفاده می کنند و دست به قانون شکنی و تجاوز به حقوق دیگران می زنند.

جامعه برای درمان افراد نابهنجار خود قوانین کیفری مقرر داشته است تا این عده از بیم کیفر و مجازات مرتکب جرایم و اعمال خلاف قانون نشوند و در نتیجه نظم و آرامش جامعه مصون از تعرض این افراد باقی بماند. به هر حال جرم یک پدیده اجتماعی است که با ضوابط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه مغایرت دارد و احساسات عمومی را جریحه دار می کند و جامعه را در مقابل خود به واکنش وا می دارد.

از سوی دیگر کرامت انسانی حقیقتی است که در ژرفای وجود انسان با سرشت او آمیخته است و این ویژگی هیچ گاه در وی به خاموشی نمی گراید لذا قلمرو مجازات در جامعه چنین رویکردی دارد که انسان را که از راه راست فاصله گرفته و به بی راهه رفته است مجدداً به راه راست و حقیقت بازگرداند.

کیفر نیز از جمله این مقررات می باشد که به سود انسان وضع شده است و جهت رشد و کمال او وضع گردیده و در آیه نخست سوره مبارکه طلاق نیز به این موضوع اشاره دارد که هر کس از مقررات خداوند پای فراتر نهد قطعاً به خود ستم کرده است. " و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه "

ارزش و کرامت انسان کرامتی ذاتی است که در سایه اتصاف به اوصاف جمیله و دوری از رذایل و تمسک به حبل المتین الهی تأمین می شود. انسان به عنوان موجودی صاحب کرامت شناخته شده است و همواره سعی در پاسداری و حفظ این کرامت و حیثیت خود که به عنوان سرمایه ای معنوی است می نماید تا هرگز در معرض خدشه و آسیب قرار نگیرد. لیکن بواسطه ارتکاب جرم توسط مجرمین و بروز حالت خطرناک توسط ایشان جامعه ایشان را از برخی از حقوق اجتماعی محروم کند تا به این واسطه درس عبرتی برای دیگران باشد و خود مجرم نیز دوباره قصد ارتکاب جرم نکند و از طرفی ابراز ندامت و پشیمانی از ناحیه مجرم باید پاداش به دنبال داشته باشد و حیات اجتماعی فرد را به او برگرداند.

حیات اجتماعی یکی از اصلی ترین حقوقی است که در زندگی معنا پیدا می کند و بدون حیات اجتماعی فرد نمی تواند زندگی خوب و سعادت‌مندی داشته باشد. حال اگر این حیات اجتماعی و حقوقی به خطر افتد ممکن است فرد به بی راهه برود. زیرا دیگر برای او زندگی و زیستن بدون داشتن حقوق اجتماعی معنا و مفهومی نخواهد داشت.

نظام جمهوری اسلامی ایران با آرمان عدالت خواهی و رفع ظلم و ستم و التزام نهادن به کرامت و آزادی انسان و ایشار انسانهای فداکار استقرار یافته است و ارزش والای انسانی و اینار توام با مسئولیت او در برابر خداوند متعال از مبانی اساسی آن به شمار می رود (بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی) از این رو تدوین مقررات و قوانین در حمایت از این سرمایه معنوی و تأسیس نهادهای حقوقی که در صدد احیاء و اعاده آن برآیند لازم و ضروری است.

ارزش این نهادهای حقوقی از آن جهت است که می تواند اسباب بازگشت مجرمین و محکومین نادم و پشیمان را به زندگی سالم اجتماعی فراهم کند تا آنها از عوارض و تبعات محکومیت خود خلاصی یابند و ایشان ارزشهای اخلاقی را

که به دست آورده اند اثبات کنند و جامعه بتواند از کمک و مساعدت این گونه افراد در دراز مدت به سود خود استفاده کند و در تأمین اهداف اصلاح گرایانه مجازات قدم بردارد .

یکی از این نهادهای قانونی نهاد اعاده حیثیت است که در نظام قضایی قبل از انقلاب اسلامی وجود داشته و در قوانین بعد از انقلاب اسلامی وضعیت مبهمی برخوردار می باشد .

مفهوم اعاده حیثیت در سیستم حقوقی کشورمان به دو اعتبار قابل تصور است :

اولاً- گاهی ضرر و زیان معنوی وارد شده به حیثیت و تمامیت اشخاص می باشد که ناشی از عمل دیگران است یعنی آبرو و عزت و احترام فرد در اثر اقدام و تجاوز دیگران مورد خدشه قرار می گیرد مثلاً مورد تهمت و هتاک می شود که در این حالت اعاده حیثیت در خصوص ضرر و زیان وارده به اشخاص مطرح می گردد. و این کسر حیثیت می بایست به طریقی قابل جبران باشد که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ اعاده حیثیت را در این مفهوم استعمال کرده است و ضرر و زیان معنوی که در اثر اشتباه و تقصیر قاضی دادگاه متوجه حیثیت اجتماعی اشخاص می گردد را قابل جبران شناخته است و آمده است که از متهم در هر حال باید اعاده حیثیت شود که این بخش بیشتر در حقوق خصوصی و مسئولیت مدنی است و تناسب کمتری با موضوع مورد بحث ما دارد .

ثانیاً- برخی مواقع لطمه وارده به حیثیت و اعتبار اجتماعی شخص ناشی از عملکرد و رفتار خود اوست که با تعرض به قواعد و مقررات جامعه و احیاناً با تعدی به شخصیت مادی و معنوی افراد در واقع به شخصیت و آبروی خود صدمه می زند.

در این حالت است که جامعه با تعقیب و محاکمه او در صدد اجرای مجازات و متنبه ساختن او بر می آید و او را از پاره ای از حقوق و مزایای اجتماعی محروم می کند تا بدین وسیله نظم را در جامعه برقرار سازد . و در واقع این محکومیت واجد آثار تبعاتی برای فرد می گردد که اعمال مجازاتهای اصلی و تبعی و ایجاد سابقه محکومیت کیفری از جمله آنهاست و خود را از حقوق اجتماعی که برای او در نظر گرفته شده است محروم می کند ، در اینجاست که بعد از تحمل مجازات و اصلاح رفتار مجرم وی باید آماده زندگی مجدد اجتماعی باشد و محرومیتها و موانعی را که قانونگذار برای او در نظر گرفته است مرتفع گردد و از حیثیت و اعتبار پیشین برخوردار گردد تا مجدد راه ناسازگاری اجتماعی را برنگزیند .

در کنار این نوع مجازات‌های اصلاحی حقوقدانان جزایی تأسیس مهم و با ارزشی را پیشنهاد کرده اند و آن هم ایجاد " نهاد اعاده حیثیت کیفری " است که به این وسیله آثار و تبعات محکومیت کیفری را از پرونده و سبج کیفری افراد محو می کند و جایگاه و اعتبار اجتماعی گذشته را به آنان باز می گرداند .

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ محکومیت به حبس جنایی مجازات و محرومیت از حقوق اجتماعی را به دنبال داشت و محکومیت‌های به حبس جنحه ای در ارتکاب جرایم عمدی مانع از اشتغال محکوم علیه در بسیاری از مشاغل دولتی و وابسته به دولت می شد و در کنار آن با ابداع نهاد اعاده حیثیت این محدودیتها برطرف می شد و محکومیت از سبج کیفری فرد حذف می شد .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات و اصلاحات فراوانی در قوانین جزایی صورت گرفت و در برخی موارد بواسطه عدم دقت کافی توسط تدوین کنندگان قوانین جزایی در قوانین جدید مقررات مجازات‌های تبعی و اعاده حیثیت حذف شد .

عدم اجرای این مقررات موجب بروز مشکلاتی برای محکومین و دستگاه قضایی شد چرا که محکومین علی رغم گذار از دوران محکومیت و گذشت مدت زمان زیادی از زمان اجرای مجازات از دست یافتن به مشاغل دولتی و یا خصوصی محروم می شدند و مشخص نبود که با وجود تحمل مجازات تا چه زمان باید تاوان این اشتباه را پردازند ؟ آیا زمان آن نباید مشخص می شد ؟ آیا نباید قانون گذار فرصت بازگشت به جامعه سالم را فراهم نماید ؟

هرچند که با الحاق ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی برخی از این نقایص مرتفع شد لیکن این ماده نمی تواند احیاء کننده کامل نهاد اعاده حیثیت کیفری باشد .

با توجه به اینکه نگارنده در سمتهای مختلف قضائی انجام وظیفه نموده است ، مشاهده وضعیت صدور گواهی های عدم سوء پیشینه کیفری در دادسراها ، لزوم توجه ویژه ای به نهاد اعاده حیثیت را می طلبد چرا که با قوانین فعلی ، امکان برخورداری کامل مجرمان از مزایای نهاد مزبور متصور نیست . اگر شخصی بنا به اتفاق اقدام به ارتکاب جرمی نماید و سپس مجازات نسبت به نامبرده اعمال گردد اینکه آیا پس از گذشتن مدت زمان خاصی ، وی مجدداً دارای جایگاه اجتماعی و حقوق پیش از ارتکاب جرم می گردد یا خیر سوالی است که در شرایط فعلی نظام حقوق کیفری ایران به سختی می توان به آن پاسخ مثبت داد .

۲) سؤالات

سؤالاتی که در این پژوهش مورد نظر نگارنده بوده اند عبارت از :

۱) جایگاه نهاد اعاده حیثیت در فقه امامیه چیست ؟

۲) مبانی نهاد اعاده حیثیت در حقوق کیفری ایران کدام است ؟

۳) قلمرو اعاده حیثیت در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران چیست ؟

۴) موارد زوال آثار محکومیت کیفری کدام است ؟

۳) فرضیات

آنچه که به عنوان فرضیه های این تحقیق مطرح است عبارت است از :

۱) در فقه امامیه تأسیسهای مشابه نهاد اعاده حیثیت وجود دارد و پیش بینی نهاد اعاده حیثیت در قوانین کیفری فاقد منع شرعی است .

۲) اعاده حیثیت در حقوق کیفری از مبانی ، عقلی ، اجتماعی و دینی برخوردار است .

۳) اعاده حیثیت در جرایم تعزیری و بازدارنده و همچنین حدود و قصاص به شرط توبه مرتکب قابلیت اجرا دارد .

۴) مهمترین جهات زوال آثار محکومیت کیفری توبه در جرایم حدود و قصاص و اجرای کامل مجازات و فقدان محکومیت جدید در جرایم تعزیری و مجازاتهای بازدارنده است .

۴) اهداف و ضرورت انجام آن

بطور کلی در برگزیدن عنوان تأسیس حقوقی اعاده حیثیت با توجه به اهداف یک سیاست جنایی مناسب که هدف

اصلی آن اصلاح مجرمین و بازگرداندن آنان به زندگی شرافتمندانه است هدف های زیر منظور بوده است:

۱) شناساندن مبانی علمی و عقلی و دینی نهاد اعاده حیثیت و بیان ادله وجودی آن در حقوق اسلام و بالاخص فقه امامیه .

۲) تلاش در جهت برگشت بیشتر مجرمان به جامعه و باز اجتماعی شدن مجدد آنان .

۳) جلب توجه مقنن به محاسن و کارکردهای مثبت نهاد اعاده حیثیت در جامعه .

۵) پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع اعاده حیثیت مقالات پراکنده ای در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی در مجلات حقوقی به

چاپ رسیده است و چندین پایان نامه کارشناسی ارشد در این مورد تحریر یافته است که عمدتاً به بیان قوانین گذشته و

تشریح مواد قانون مجازات عمومی سابق بوده است و به مبانی فقهی آن توجه نشده و یا صرفاً به مجازاتهای تبعی در فقه امامیه پرداخت شده است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد .

(۱) اعاده حیثیت در نظام حقوقی ایران نوشته آقای علی ملکی به راهنمایی دکتر آخوندی دانشگاه قم ۱۳۸۱

(۲) بررسی تطبیقی اعاده حیثیت در حقوق ایران و فرانسه نوشته آقای مهدی احمدی موسوی به راهنمایی دکتر محمد آشوری مجتمع آموزش عالی قم ۱۳۸۱

(۳) اعاده حیثیت در حقوق ایران نوشته آقای سید محسن میرخانی دانشگاه تهران ۱۳۵۴

(۴) اثرات عفو عمومی و فوت و اعاده حیثیت در مجازاتها نوشته آقای محمد ابراهیم زند دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۵۰

(۵) اعاده حیثیت در حقوق جزای ایران نوشته آقای عزت خورشید وند به راهنمایی دکتر رضا نور بها دانشگاه شهید بهشتی ۸۰-۱۳۷۹

هرچند که پایان نامه های مختلفی در خصوص موضوع به رشته تحریر در آمده است اما از آنجا که قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی ایران که مقررات جزایی نیز از آن جمله اند مبتنی و نشأت گرفته از اصول و مبانی فقه اسلامی علی الخصوص فقه امامیه می باشد و مراجعه به آنها برخی از مشکلات قضایی را قابل حل می کند انصاف این است که در متون حقوقی اسلام بخصوص فقه پر بار امامیه قواعدی وجود دارد که توجه به آنها و اهتمام به کاربردی نمودن آن در رویه جاری نظام قضایی ما میتواند بسیاری از مشکلات را رفع کند لذا بر آن شدم تا چگونگی وجود نهاد اعاده حیثیت را با توجه به ابعاد تربیتی و اصلاحی محکومین در منابع فقه اسلام (آیات و روایات) و بخصوص از منظر فقه امامیه (متون فقهی) بررسی نمایم تا ضمن تشریح وضعیت این نهاد حقوقی، جایگاه آن در ادله فقه امامیه مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد و صرفاً به مباحث مطروحه در سایر پایان نامه ها اکتفا نشود .

ازطرفی در سالهای اخیر منبع قابل اعتنایی که بتواند محور مطالعه قرار گیرد یافت نمی شود و بحث درخصوص اعاده حیثیت مجرمین غالباً در کتب فقهی با این وصفی که مدنظر ماست مطرح نشده است و هیچ گونه مطالعه و تحقیقی در این خصوص که به مبانی فقهی آن در بعد از انقلاب اسلامی پرداخته باشد وجود ندارد و به جرأت می توان گفت مقاله ای نیز در این رابطه به رشته تحریر در سالیان اخیر در نیامده است.

بنابراین با توجه به عدم سابقه موضوع در قوانین جزایی بعد از انقلاب اسلامی و مشخص نبودن وضعیت این تاسیس در نظام جزایی ما و همچنین با توجه به لایحه جدید تصویب شده قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۵ در جلسه

مسوولان عالی قضایی کشور که مجددا اقدام به احیای این نهاد حقوقی نموده است و موادی از این لایحه به این امر اختصاص یافته است به بررسی موضوع پرداخته و اشکالات احتمالی در این لایحه را نیز بیان کنیم.

۶) تقسیم مطالب

با توجه به مطالبی که قسمت پیشینه تحقیق بیان شد و پس از مطالعات و بررسی های متعدد و بهره مندی از اساتید محترم پس از ذکر مقدمه ای در باب اهمیت موضوع مطالب این پایان نامه در دو بخش تهیه و تنظیم شده است. در بخش اول که به تبیین مفاهیم، پیشینه و مبانی نظری و قلمرو اعاده حیثیت پرداخته شده است طی دو فصل به بیان مطالب پرداخته شده است که در فصل اول به کلیات مطالب و مباحث مقدماتی اشاره شده است و برای درک هرچه بهتر موضوع ابتدا مفهوم و معنای اعاده حیثیت و ابعاد مختلف آن بررسی شده و سپس به پیشینه آن در ادیان الهی و حقوق موضوعه اشاره شده است و پس از آن در فصل دوم در باب مبانی اعاده حیثیت به مبانی نظری آن از دیدگاه برخی منابع فقه اسلام و دیدگاه حقوقدانان در حقوق جزای عرفی و سپس به قلمرو آن در مبحثی جداگانه اشاره شده است. و در بخش دوم که تبیین اقسام، آثار و احکام اعاده حیثیت در قانون و فقه امامیه را تشکیل می دهد در فصل اول اقسام اعاده حیثیت و آثار ناشی از حکم محکومیت کیفری در سرنوشت افراد و آثار مترتب بر اعاده حیثیت در یک مبحث و در مبحث دوم به احکام اعاده حیثیت در قانون و ارزیابی عملکرد مقنن با بررسی و نقد مواد قانونی مربوط به بحث اشاره شده است و در فصل دوم به بررسی کیفرهای تبعی در فقه امامیه با بررسی آرای فقهی در فقه امامیه و بررسی تأسیس توبه و آثار و نتایج آن و تاثیر آن در اعاده حیثیت مجرمین با توجه به مبانی فقهی پرداخته شده است.

بخش اول: تبیین مفاهیم، پیشینه، مبانی نظری و قلمرو اعاده حیثیت